

# تاریخ نگار جغرافیانویس حمدالله مستوفی قزوینی

• مریم رنجکش

قزوین بودند. پس از آن، به شغل استیفاء منصوب شدند و از آن پس شهرت مستوفی گرفتند. پدرجد او، امین‌الدین نصر، به حکم سلطان محمود سبکتگین، به مستوفی‌گری عراق گمارده شد. او مردی متمول بود که در پیری از پیشه جوانی و احقاقیات خود توبه کرد و زندگی زاهدانه‌ای در پیش گرفت. سرانجام نیز، به گفته حمدالله مستوفی، راه غزا با مغولان را پیشه کرد و به دست آنان نیز کشته شد. بازماندگان وی، از جمله نبیره‌اش، خواجه فخرالدین محمد، به وزارت و حاکمیت روم رسید و برادر حمدالله مستوفی، زین‌الدین محمد، به امر خواجه رشیدالدین، وزیر غازان خان و اولجایتو، به نیابت دیوان تعیین شد (مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۸۱۱ - ۸۱۲). حمدالله با وساطت برادرش و به حکم خواجه رشیدالدین، در سال ۷۱۱ هـ ق. به شغل اسلاف خود، یعنی سمت استیفاء قزوین، ابهر، زنجان و طارمین گمارده شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین، جزو ملازمان پسرش، غیاث‌الدین محمد، شد (اقبال، ۵۲۳ - ۵۲۴). وی، در دوره جوانی، گذشته از شغل مستوفی‌گری، در مجالس اهل علم و مباحث علمی مختلف، خاصه تاریخ، که به همت خواجه رشیدالدین تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد و از آن بهره می‌گرفت. این امر عاملی برای توجه و ترغیب حمدالله به مطالعه و رجوع به کتب تاریخی شد. گرچه به گفته خودش، شغلش تحریر و سیاق بود (مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۲ - ۳).

افراد دیگر خاندان حمدالله مستوفی نیز، به مشاغل دیوانی اشتغال داشتند و با علم، کتابت و شعر مأنوس بودند. شمس‌الدین ابوالحرث حلاوی، جد مادری پدرش، مدتی والی ری بود (همو، ۸۰۱). جد مادری حمدالله، هبة‌الله عمرالزارانی، از علما و زهاد عالی‌رتبه قزوین بود (همو، ۸۰۶). برادر دیگر وی امین‌الدین نصرالله است، که شاعری به نام فاخته کاشی، در کتابی به نام نصایح الاولاد، وی را ستوده است. یکی دیگر از برادران وی، فخرالدین فتح‌الله بود که شعر هم می‌سرود (همو، ۷۴۴). حمدالله مستوفی سه کتاب به رشته تحریر درآورده است: تاریخ‌گزیده، ظفرنامه در تاریخ و نزهة القلوب در جغرافیا.

۱. تاریخ‌گزیده: این کتاب تاریخ عمومی است و به تقلید از مجلد دوم تاریخ عام جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین و به نام غیاث‌الدین محمد، فرزند خواجه رشیدالدین، در سال ۷۳۰ هـ

بنا به شواهد تاریخی، یکی از فاجعه‌بارترین حوادث در تاریخ ایران، تهاجم مغول در قرن ششم هجری قمری است. حادثه‌ای که در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه وسیعی از جهان تأثیری ژرف به جا گذاشت. پیامد این واقعه تلخ در ایران، نفوذ و مقاومت دیوان‌سالاران ایرانی در جایگاه سیاسی بود که به‌رغم از دم تیغ گذاشتن بسیاری از ایشان، به تدریج، اقوام مهاجم نظامی را به اطاعت و تسلیم واداشتند و بار دیگر توانایی خود را در پاسداری از فرهنگ و تمدن دیرینه ایرانی به منصفه ظهور رساندند و نشان دادند که هرچند ایرانی در تهاجم نظامی مغلوب اقوام تاتار شد، ولی در عرصه نبرد فرهنگی، فاتح میدان بود.

حمله مغول و حاکمیت نخست امرای نظامی مغول، که تحت امر چنگیز در مغولستان بودند، و پس از آن، تشکیل حکومت ایلخانی در ایران تبعاتش در زمینه‌های مختلف جامعه از جمله در صحنه فرهنگی جامعه ایران گذاشت که یکی از آثار آن، رشد و تحول کمی و کیفی تاریخ‌نگاری در این عصر است. کتاب‌های تاریخی بسیاری در این دوره، نوشته شد و مورخان به تألیفات بی‌شمار اقدام کردند. بنا به همین امر، این عصر از دوره‌های دیگر تاریخی متمایز است (اقبال، ۴۸۰ - ۵۱۲). زمینه‌ها و دلایل چندی می‌توان برای این تحول برشمرد. از جمله، علاقه فطری هر فاتح به ثبت رویدادها و فتوحات خود، علاقه مغولان، خاصه چنگیز، به رسالت خود مبنی بر تدوین احکامی جاویدان، یعنی یاسا، برای اولاد و احفاد و نسل‌های بعد از خود تا از آن پیروی کنند. بیلق، شامل نصایح و وصایای چنگیز بود که به وسیله پیروان و یارانش، به تدریج، جمع‌آوری می‌شد و سلاطین و حکمرانان مغول موظف به پذیرش و اطاعت از آن بودند (شیرین بیانی، ج ۱، ۵۶ - ۵۷).

حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی (وفات ۷۵۰ هـ ق.)، تاریخ‌نگار، جغرافیانویس و شاعر قرن هشتم است. زمان تولد وی دقیقاً مشخص نیست. آنچه از زندگی‌نامه وی، مندرج در آثار خود مؤلف، به دست می‌آید، این است که وی در قزوین متولد شد و خاندان وی از قدیم ساکن قزوین بودند. او نسب خود را به حربن یزید ریاحی و نژاد عرب منتسب می‌کند. اجداد وی، از زمان معتصم تا قادر (خلفای عباسی)، والیان

## حمله مغول و حاکمیت نخست امرای نظامی مغول، که تحت امر چنگیز در مغولستان بودند، و پس از آن، تشکیل حکومت ایلخانی در ایران تبعاتی در زمینه‌های مختلف جامعه از جمله در صحنه فرهنگی جامعه ایران گذاشت که یکی از آثار آن، رشد و تحول کمی و کیفی تاریخ‌نگاری در این عصر است

ق.، به تألیف درآمد (همو، ۴) این کتاب، به‌طور مختصر، آفرینش کائنات، ذکر پیامبران، تاریخ پیش از اسلام، تاریخ اسلام و ایران تا زمان حیات مؤلف را دربرمی‌گیرد. مؤلف از کتاب‌های تاریخی چون: سیدالنبی، قصص الانبیاء، رساله قشیریه، تذکره الاولیاء، التدوین امام رافعی، تجارب الامم، مشارب التجارب، ایران‌النسب، تواریخ محمدبن جریر طبری، تاریخ حمزه اصفهانی، تاریخ کامل ابن اثیر جزری، زبدة التواریخ جمال‌الدین ابوالقاسم کاشی، نظام‌التواریخ قاضی ناصرالدین ابوسعید بیضاوی، عیون‌التواریخ ابوطالب علی‌بن انجب بغدادی، معارف ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قنیه‌الدینوری، تاریخ جهانگشای جوینی، کتاب الیمینی ترجمه العتبی ابواشرف الجرفاءقانی، سیرالملوک نظام‌الملک، شاهنامه طوسی، سلجوق‌نامه ظهیری نیشابوری، مجمع آثارالملوک قاضی رکن‌الدین خوبی، استظهار الاخبار قاضی احمد دامغانی و جامع‌التواریخ نام می‌برد که در نگارش تاریخ کهن از آنها بهره گرفته است و در آخر متذکر می‌شود که این کتاب به دلیل گزینش مطالب از کتاب‌های فوق‌الذکر، تاریخ گزیده نام گرفته است (همو، ۷۶). سپس، مؤلف ابواب و فصول کتاب را آورده است که شباهت بسیاری به فهرست مطالب جامع‌التواریخ دارد (همو، ۹-۱۳، تاریخ گزیده، مقدمه، و ز-ح). باب آخر کتاب به قزوین یا باب‌الجنه، محل تولد مؤلف اختصاص دارد و شامل اخبار، آثار، چگونگی نام، کیفیت بناها، فتح آن بعد از اسلام، مردم، ذکر قنوت، رودخانه‌ها، مساجد، مقابر و نواحی آن، صحابه، تابعین، ائمه، خلفا، مشایخ و علما، پادشاهان، وزراء، امراء، حکام، عمال، قبایل و اکابر شهر است. این باب یکی از مهم‌ترین ابواب تاریخ گزیده محسوب می‌شود که تلخیص کتاب التدوین فی تاریخ قزوین تألیف امام‌الدین رافعی است که با اضافاتی از خود مؤلف این بخش را تشکیل می‌دهد. از بارزترین ویژگی‌های تاریخ گزیده ذکر حوادث دوران حیات مؤلف است که خود شاهد و ناظر آنها بود و به تشریح آن پرداخته است.

۲. ظفرنامه: اثر دیگر مستوفی ظفرنامه است. شرکت مؤلف در محافل علمی و ادبی خواجه رشیدالدین و پسرش، خواجه غیاث‌الدین، و تهیه نسخه‌ای معتبر از شاهنامه فردوسی و ابراز شایستگی علمی و ادبی از خود در دوره‌ای که تب آن به شدت بالا گرفته بود، وی را واداشت که تاریخ پس از اسلام را به

سیاق فردوسی به نظم بکشد و در واقع راه فردوسی را تداوم بخشد (ظفرنامه، پیش‌گفتار، ۶-۵). حمدالله مستوفی در آغاز کتاب گزیده به نگارش آن اشاره می‌کند که ۵۰ هزار بیت آن هم‌زمان با تألیف تاریخ گزیده سروده شده و در خاتمه به ۷۵ هزار بیت خواهد رسید (همو، ۳). این کتاب در سه قسمت با عناوین «اسلامی»، «احکامی» و «سلطانی» تنظیم شد. مطالب آن از حوادث حیات پیامبر محمد (ص) شروع و به زمان حیات مؤلف ختم می‌شود. از باب سوم تا باب پنجم اخبار و مطالب آن شبیه تاریخ گزیده است؛ لیکن ابواب پیامبران و افراد پیش از اسلام، پادشاهان و تاریخ ایران قبل از اسلام، ذکر ائمه، سنت، قراء، مشایخ، علمای دین را در بر دارد. در باب پنجم و احوال شهر قزوین، انساب انبیاء که در تاریخ گزیده آمده است، در ظفرنامه موجود نیست. تفاوت دیگر این دو کتاب، ذکر اخبار دوره مغول و تشریح وقایع سال‌های ۷۳۰، یعنی سال پایان تألیف تاریخ گزیده تا سال ۷۳۴، زمان اتمام ظفرنامه است، که به طور اخص، به تشریح صدارت خواجه غیاث‌الدین محمد در سال ۷۲۸ پرداخته است. همچنین، این کتاب توصیف بسیار روشنی از واقعه قتل عام شهر قزوین در حمله مغول ارائه می‌دهد که این اطلاعات را بیشتر از پدر جد خود، امین نصر مستوفی، که ناظر این حادثه بود، گرفته است (براون، از سعدی تا جامی، ۱۳۸ - ۱۳۹). از امتیازات دیگر ظفرنامه دقت مؤلف در ضبط وقایع، تلفظ، املا، نام اشخاص و بلاد است که اطلاعات را آن از بزرگان مغولی و ایرانی کسب و ضبط کرده است (اقبال، ۵۲۴ - ۵۲۵). گذشته از ارزش ادبی و حماسه‌سرایی ظفرنامه، مستوفی در خصوص به نظم کشیدن ظفرنامه چنین اظهارنظر می‌کند که بیان وقایع تاریخی در شرح و بسط به زبان نثر و بیان حقایق تاریخی به لحاظ عمق معنی به زبان نظم و صنایع شاعری نیازمند است. این روش‌شناسی مستوفی در ثبت وقایع تاریخی نشانه آگاهی وی به مشکلات تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری است و به همین دلیل به ناچار از منابعی واحد، دو کتاب شبیه به هم را با دو سبک نظم و نثر ارائه داده است (ظفرنامه، پیش‌گفتار، ۹).

۳. نزهه‌القلوب: اثر دیگر مستوفی نزهه‌القلوب است. این کتاب به نثر و در جغرافیا و علم هیأت است که در سال ۷۴۰ هـ.ق، ده سال پس از نگارش تاریخ گزیده و پنج سال پس از

## حمدالله مستوفی گرچه به شغل دیوانی اشتغال داشت، ولی در تاریخ و جغرافیای نویسی نیز دست توانایی داشت. از امتیازات تألیفات وی، می‌توان به نثر روان و ساده او اشاره کرد

ظفرنامه نگاشته شد. مؤلف در مقدمه کتاب اشاره می‌کند، از آنجایی که در علم جغرافیا کتابی به فارسی نوشته نشده بود و غالباً به زبان عربی بود، وی این کتاب را به فارسی تألیف نموده است. مستوفی از این کتاب‌ها برای نگارش کتاب خود بهره برده است: طبقات همدانی، تألیف **ابی عبدالله الکاتب الواقدی**؛ عجایب المخلوقات، تألیف **امام زکریا بن محمد بن محمود کموسی قزوینی**، آثار البلاد، تألیف **همو**؛ فارس‌نامه **ابن البلیخی مستوفی فارس** در زمان سلطان محمد سلجوقی، ذکر ولایت کرمان، تألیف **خواجه نصیرالدین منشی کرمانی**؛ عجایب البحر، تألیف **امام علی بن عیسی الحمرانی** برای مقتدر؛ آثار الباقیه، تألیف **شیخ ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی منجم**؛ کتاب التفهیم الاوائل صناعه التنجیم، تألیف **همو**؛ کتاب ارشاد در ذکر قزوین، تألیف **امام جلیل حافظ خلیل قزوینی**؛ رساله ملکشاهی در وصف دیاری که ملکشاه در نظر آورده بود، تاریخ اصفهان، تألیف **حافظ عبدالرحمن محمد بن اسحق الاصفهانی**؛ رساله السنجریه فی الکائنات العنصر، تألیف **شیخ محمد سهرلان ساوجی** و عجایب الاخبار، تحفه الغرایب، صورالکواکب، تألیف **شیخ ابوالحسین الصوفی** برای عضدالدوله، تاریخ مغرب، اخلاق ناصری، تألیف **خواجه نصیرالدین طوسی** و تنسیق‌نامه ایلخانی، تألیف **همو** و منابع کتبی دیگر. او همچنین متذکر می‌شود که در نگارش کتاب از مشاهدات شخصی خود و اطلاعات موثق که از اطرافیان شنیده است، استفاده کرده است (مستوفی،

تهاجم و اوضاع نابسامان بعد از آن، یعنی زمان حیات مستوفی است. آنچه این کتاب را به طور اخص از سایر کتاب‌های این دوره متمایز می‌کند، استفاده مؤلف از اسناد و جراید مالی و دیوانی است که در اختیار وی و خاندانش قرار داشت و در توضیح عوارض دیوانی و اوضاع مالی از آنها استفاده می‌کند (همو؛ ۲۸، ۵۲، ۷۸، ۲، ۸۱-۱۹۷).

مستوفی، در سال ۷۵۰ هـ.ق.، در قزوین وفات یافت؛ مقبره‌ی در قزوین است.

حمدالله مستوفی گرچه به شغل دیوانی اشتغال داشت، ولی در تاریخ و جغرافیای نویسی نیز دست توانایی داشت. از امتیازات تألیفات وی، می‌توان به نثر روان و ساده او اشاره کرد. مستوفی را می‌توان مبدع فارسی‌نویسی در کتب جغرافیا دانست که بعدها، بسیاری از جغرافیایان پس از او تاسی کردند؛ خاصه در دوره تیموری به خلق آثاری با نام ظفرنامه (نظام‌الدین شاهی) پرداختند. ذکر جزئیات و تاریخ دوره حیات مستوفی که به اقتضای شغل خود و خاندانش از منابع و اسناد شفاهی و کتبی استفاده کرده است، بسیار ارزشمند است. ذکر تاریخ محلی زادگاه وی، قزوین، و حوادث خاص آن، به ویژه اخبار اسماعیلیه، که با عنوان ملاحظه از آنان یاد می‌کند، از نقاط قوت تألیفات مستوفی است.

### منابع:

- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن محمد بن نصر؛ ۱۳۶۱؛ تاریخ کزیده؛ ادوارد براون انگلیسی؛ تهران؛ دنیای کتاب.
- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۳۹؛ تاریخ کزیده؛ عبدالحسین نوایی؛ تهران؛ امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۳۷؛ ظفرنامه؛ تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.
- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۳۶؛ زهه‌القلوب؛ محمد دبیرسیاقی؛ تهران؛ طهوری.
- اقبال، عباس؛ ۱۳۴۱؛ تهران؛ امیرکبیر.
- براون، ادوارد؛ ۲۵۳۷؛ از سعدی تا جامی؛ ترجمه علی اصغر حکمت؛ تهران؛ امیرکبیر.
- بیانی، شیرین؛ ۱۳۷۰؛ دین و دولت در ایران عهد مغول؛ جلد اول؛ تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی.

زهه‌القلوب، ۲۶-۲۷). کتاب شامل یک مقدمه (فاتحه)، سه مقاله و یک خاتمه است. مقاله سوم مهم‌ترین قسمت کتاب را تشکیل می‌ده (همو، ۲۸-۳۲) که **محمد دبیرسیاقی**، در سال ۱۳۳۶ شمسی، آن را تصحیح و چاپ کرده است. این مقاله شامل مطالبی چون: حرمین شریفین، بیت‌المقدس، جغرافیای بلاد ایران، عراق، آسیای صغیر و نیز ضمیمه‌ای در جغرافیای طبیعی ایران اضافه شده است.

این کتاب مانند تاریخ کزیده، نثر روان، قابل فهم و ساده دارد. مزیت ویژه این کتاب، اطلاعات ذی‌قیمتی است که از هرج و مرج و حوادث قرن هشتم، خاصه پس از مرگ سلطان **ابوسعید ارانه** می‌دهد. ویژگی دیگر کتاب، مقایسه و بیان صریح و تصویری روشن از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها و حتی روستاها، قبل از هجوم مغول، حوادث دوران